



## عاقله

عاقله، مؤنث عاقل از مادهٔ عقل است که در زبان عربی به معنای منع، حفظ و بستن می‌باشد. عاقله در لغت به معنی نگهدارنده و مواظبت کننده است.  
<sup>[۱]</sup> جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۴، ص ۴۴۱.

### فهرست مندرجات

- ۱ - در اصطلاح فقه
- ۲ - در اصطلاح حقوق
- ۳ - شرایط تحقق ضمان عاقله
- ۴ - حدود مسیولیت عاقله
- ۵ - حکم ضمان عاقله
- ۶ - ناتوانی عاقله در پرداخت دیه و عدم وجود عاقله برای جانی
- ۷ - فهرست منابع
- ۸ - پانویس
- ۹ - منبع

### در اصطلاح فقه

در اصطلاح فقهی، نزدیکان و خویشاوندان شخصی هستند که مرتکب **قتل غیر عمد** و جرح مخصوص می‌شود که بایستی **دیه آن قتل** و جرح را بپردازند. در رابطه با مفهوم عاقله که چرا خویشاوندان نزدیک شخص جانی یا قاتل را عاقله نام‌گذاری کرده‌اند چند احتمال وجود دارد:

- ۱- عقل به معنای «منع» است و خویشاوندان نزدیک قاتل با پرداخت **دیه حائل** و مانع بین جانی و **اولیای دم** مقتول یا مجروح می‌شوند.
- ۲- عقل به معنای «حفظ کردن» آمده است و عاقله به کسانی گفته می‌شود که با پرداخت **دیه**، خطایی را از قصاص یا تعزیر حفظ می‌کنند.
- ۳- عقل به معنای «بستن» آمده و خویشان جانی، شترها را به عنوان **دیه** نزد اولیای دم برده و عقل می‌کنند یعنی زانوان آن‌ها را می‌بندند و یا این که با پرداخت **دیه**، زبان اولیای دم را از تقاضای **قصاص** و غیره می‌بندند.

خویشانی که شرعاً عاقله نامیده می‌شوند؛ به ترتیب تقدم عبارتند از:

- ۱- خویشان پدر و مادری.
- ۲- خویشان پدري.

### در اصطلاح حقوق

و در اصطلاح طبق مادهٔ ۳۰۷ **قانون مجازات اسلامی** عبارت است از «بستگان نکور نسبی پدر و مادری یا پدري به ترتیب **طبقت ارث** به طوری که همه کسانی که حین الفوت می‌توانند **ارث** ببرند به صورت مساوی عهددار پرداخت **دیه** خواهند بود»  
<sup>[۱]</sup> حجتی، سید مهدی؛ قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کفوی، تهران، میثاق عدالت، ۱۳۸۴، ص ۶۰۷.

### شرایط تحقق ضمان عاقله

- ۱- عاقله باید بستگان پدر و مادری باشد پس بستگان مادری از دایرهٔ عاقله خارجند.
- ۲- عاقله باید مرد باشد.
- ۳- عاقله باید **بالغ** باشد پس صغیر جزء عاقله نیست.
- ۴- عاقله باید **عاقل** باشد پس مجنون جزء عاقله نیست.
- ۵- عاقله باید هنگام سر رسید اقلسط **دی**، ه، دارا باشد پس معسر عاقله محسوب نمی‌شود.

- ۶- **قتل** خطاء محض با **بینه**، **قسامه** و علم قاضي ثابت گردد، اگر با اقرار جاني يا **نكول** او از **قسم** يا **نكول** او از **قسامه** ثابت شود، عاقله **ضامن** نيست.
- ۷- در **ديه جرأحت**، **ديه** بالاتر از موضحة باشد پس ديه جنائيت پائين تر از موضحة بر عهده جاني است.
- ۸- در مورد جنائتهاي خطائي كه شخص بر خودش وارد آورد و اتلاف مالي كه به طور خطاء محض حاصل مي شود عاقله ضامن نمي باشد.

#### حدود مسؤوليت عاقله

مواد ۳۰۵، ۳۰۶ و ۳۱۱ **قانون مجازات اسلامي** حدود مسؤوليت عاقله را بيان مي نمايد كه عبارتند از:

- ۱- **ديه قتل** خطاء محض
- ۲- **ديه جرأحت** (موضحة) و **ديه** جنائتهاي زيادتر از آن به عهده عاقله مي باشد و ديه جرائتهاي كمتر از آن به عهده خود جاني است. [۱] حجتی، سيد مهدي؛ قانون مجازات اسلامي در نظم حقوق كنوني، تهران، ميثاق عدالت، ۱۳۸۴، ص ۶۰۶.
- ۳- خسار تهاي حاصل از جنائتهاي خطائي محض از **قتل** تا **موضحة** (ماده ۳۱۱ **قانون مجازات اسلامي**) استثناء **حکم** ماده ۳۱۱ **قانون مجازات اسلامي**: در يك صورت ممكن است عاقله، عهده دار **ديه** جنائيت خطائي كمتر از **موضحة** نيز باشد و آن در مورد سقط جنيني است كه هنوز روح در آن دمیده نشده و با توجه به مراحل تكون جنيني، **ديه** آن كمتر از موضحة باشد. [۲] حجتی، سيد مهدي؛ قانون مجازات اسلامي در نظم حقوق كنوني، تهران، ميثاق عدالت، ۱۳۸۴، ص ۶۱۲ ص ۶۱۳.
- ۴- تبصره ماده ۳۰۶ **قانون مجازات اسلامي**: جنائيت عمد و شبه عمد نا **بالغ** و ديوانه به منزله خطاء محض بوده و بر عهده عاقله مي باشد. با توجه به **حکم** كلي تبصره ماده ۳۰۶ **قانون مجازات اسلامي** جنائيت اطفال كمتر از **موضحة** نيز بر عهده عاقله خواهد بود. (نظريه ۲۶۹/۷ - ۱۸/۱/۱۳۷۵ اداره حقوقي قوه قضائيه) [۳] اداره كل تدوين و تفتيح قوانين و مقررات، مجموعه قانون مجازات اسلامي، تهران، رياست جمهوري، معاونت پژوهش، اداره چاپ و انتشارات، ۱۳۸۴، ص ۲۹۸.
- ۵- **ديه** به ترتيب **طبقت ارث** بر عاقله توزيع مي شود. مسؤوليت عاقله فقط در مورد **ديه** بايد اعمال شود و نسبت به **ارش** موردي ندارد. (نظريه ۱۱۳۵/۷ - ۱۲/۵/۱۳۷۰ اداره حقوقي قوه قضائيه) [۴] اداره كل تدوين و تفتيح قوانين و مقررات، مجموعه قانون مجازات اسلامي، تهران، رياست جمهوري، معاونت پژوهش، اداره چاپ و انتشارات، ۱۳۸۴، ذيل ص ۲۹۹.

#### حکم ضامن عاقله

- اکثریت **قبيلی شيعه** بر اين عقیده اند كه عاقله ابتداً **ضامن** پرداخت **ديه** است و بنا بر اين هم **حکم وضعي** و هم **حکم تكليفي** شامل وي مي شود، يعني اگر عاقله **ديه** را نپردازد، نه تنها شرعاً حقي را ادا نكرده و فعل حرامي را مرتكب شده، بلكه بر نمه اوست كه **ديه** بپردازد. [۱] حيدري، عباسعلي؛ نگاهی به مسؤوليت عاقله در پرداخت ديه، فصلنامه فقه سال دوازدهم، شماره ۴۵، ص ۲۰۵.
- و جاني در اين موارد هيچ گونه مسؤوليتي ندارد و رجوع عاقله به جاني جايز نيست.
- حکم** مسؤوليت عاقله از احكام اجتماعي و امضائي است نه تأسيسي بدین توضيح كه زندگي اعراب جزيره العرب در زمان قبل از **اسلام** بر نظام قبيله اي استوار بوده، و مسؤوليت شخصي در آن وجود نداشت؛ بلكه قبيله خود را مسؤول مي دانست و پرداخت **ديه** يكي از آن مسؤوليتها بود كه بر حسب درجه نزديكي و بستگي با مقتول، بين جميع افراد قبيله توزيع مي گرديد، تا همه نفوس قبيله آرامش يابند و به كسي ستم نرود. [۲] ادریس احمد؛ عوض، ديه، ترجمه علیرضا فیض، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۸-۶۹.
- پس از ظهور **اسلام** مسؤوليت عاقله مورد تأييد و امضاء قرار گرفت و پيامبر اکرم (صلی الله عليه و آله) با تصرفاتي آن را اخلاقي تر و انساني تر نمودند، امور جامعه نيز با آنها مي گذشت. [۳] مجتهد شبستري، محمد؛ تأملاتي در قرانت انسان از دين؛ تهران، طرح نو، ج ۱، ص ۱۹۵.

#### ناتواني عاقله در پرداخت ديه و عدم وجود عاقله براي جاني

- ماده ۳۱۲ **قانون مجازات اسلامي**: «هرگاه جاني داراي عاقله نباشد يا عاقله او نتواند **ديه** را در مدت سه سال بپردازد، **ديه** از **بيت المال** پرداخت مي شود.» توضيح هرگاه عاقله محكوم به پرداخت **ديه** شود و آن را پرداخت ننمايد اگر متمكن باشد بايد از اموال او اخذ شود و اگر تمکن مالي نداشته باشد و **مُعسر** باشد **ديه** از **بيت المال** پرداخت شده و نيازي به تقديم دادخواست اعسار توسط عاقله نيست. (نظر يههاي ۴۶۶۷/۷ - ۲۵/۷/۸۱ و ۷۸۴۲/۷ - ۱۳۸۲/۱۰/۱۰ اداره حقوقي قوه قضائيه) [۱] اداره كل تدوين و تفتيح قوانين و مقررات، مجموعه قانون مجازات اسلامي؛ تهران، رياست جمهوري، اداره چاپ و انتشارات، ۱۳۸۴، ذيل ص ۳۰۱-۳۰۰.
- اين در صورتي است كه دانگه عدم توانائي عاقله را نسبت به پرداخت **ديه** احراز كند.

#### فهرست منابع

- ۱- حجتی، سيد مهدي؛ قانون مجازات اسلامي در نظم حقوق كنوني، تهران، ميثاق عدالت، ۱۳۸۴.
- ۲- جعفري لنگرودي، محمدجعفر؛ ترمينولوژي حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۴.
- ۳- اداره كل تدوين و تفتيح قوانين و مقررات، مجموعه قانون مجازات اسلامي، تهران، رياست جمهوري، معاونت پژوهش، اداره چاپ و انتشارات، ۱۳۸۴.
- ۴- حيدري، عباسعلي؛ نگاهی به مسؤوليت عاقله در پرداخت ديه، فصلنامه فقه، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
- ۵- ادریس احمد، عوض؛ ديه، ترجمه علیرضا فیض، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۳۷۷.
- ۶- مجتهد شبستري، محمد؛ تأملاتي در قرانت انسان از دين، تهران، طرح نو، ۱۳۸۳، ج اول.

۱. [↑ جعفري لنگرودي، محمد جعفر؛ ترمينولوژي حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۴، ص ۴۴۱.](#)
۲. [↑ حجتی، سيد مهدي؛ قانون مجازات اسلامي در نظم حقوق کفوفي، تهران، ميثاق عدالت، ۱۳۸۴، ص ۶۰۷.](#)
۳. [↑ حجتی، سيد مهدي؛ قانون مجازات اسلامي در نظم حقوق کنوني، تهران، ميثاق عدالت، ۱۳۸۴، ص ۶۰۶.](#)
۴. [↑ حجتی، سيد مهدي؛ قانون مجازات اسلامي در نظم حقوق کنوني، تهران، ميثاق عدالت، ۱۳۸۴، ص ۶۱۲ ص ۶۱۳.](#)
۵. [↑ اداره کل تدوين و تنقيح قوانين و مقررات، مجموعه قانون مجازات اسلامي، تهران، رياست جمهوري، معاونت پژوهش، اداره چاپ و انتشارات، ۱۳۸۴، ص ۲۹۸.](#)
۶. [↑ اداره کل تدوين و تنقيح قوانين و مقررات، مجموعه قانون مجازات اسلامي، تهران، رياست جمهوري، معاونت پژوهش، اداره چاپ و انتشارات، ۱۳۸۴، ذيل ص ۲۹۹.](#)
۷. [↑ حيدري، عباسعلي؛ نگاهی به مسؤليت عاقله در پرداخت ديه، فصلنامه فقه سال دوازدهم، شماره ۴۵، ص ۲۰۵.](#)
۸. [↑ ادریس احمد؛ عوض، ديه، ترجمه علیرضا فیض، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۸-۶۹.](#)
۹. [↑ مجتهد شبستري، محمد؛ تأملاتي در قرانت انسان از دين؛ تهران، طرح نو، ج ۱، ص ۱۹۵.](#)
۱۰. [↑ اداره کل تدوين قوانين و مقررات، مجموعه قانون مجازات اسلامي؛ تهران، رياست جمهوري، اداره چاپ و انتشار، ۱۳۸۴، ذيل ص ۳۰۱-۳۰۰.](#)

منبع

[سایت پژوه](#)

[سایت پژوه](#)

رده‌های این صفحه: [اصطلاحات فقهی](#) | [ديت](#) | [فقه](#)